

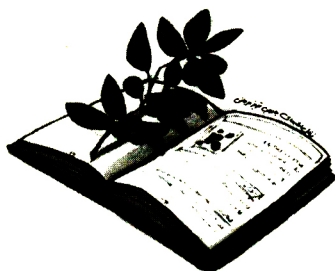
کفروشی جادویی؛ ۱۴

سفر به دنیای زغال اخته‌های جادویی

جینا مایر

ترجمهٔ آزاده نیاززاده

تصویرگر: ژوئل تورلونیاس



نشر آفرینگان: ۲۷۲

فهرست



۱. خانم یونیپر ناپدید می شود ۷
۲. سوسیسی تخم مرغ ۱۷
۳. زغال اخته های جادوییِ قرمزِ مرجانی ۲۷
۴. ماری در قطار ۳۵
۵. گویرِ نافاریگای گلوخ ۴۵
۶. باز هم یک کتاب لیمویی ۵۹
۷. دایی آلیستر ۶۹
۸. کریسمس مبارک ۸۱

خانم یونپیر ناپدید می شود

خاله ابی گیل گفت: «احتمالاً امروز این جا خبرهایی بوده» و از لیوان مورد علاقه خال خالی اش کمی چای نوشید. لرد نلسون، گربه چاق عملی رنگ، که روی پای خاله ابی گیل نشسته بود، با ناراحتی گوش هایش را تکان داد. لرد نلسون از این که خاله ابی گیل دیگر نوازشش نمی کرد دلخور بود. «گلفروشی امروز خیلی شلوغ بود. این اولین بار است که امروز توانسته ام استراحت کنم.»

ویولت، که چند لحظه پیش همراه دوستانش ژاک و زاک وارد گلفروشی شده بود، گفت: «ای بابا! همین دو هفته پیش بود که ناله می کردی در ماه دسامبر هیچ کس گل نمی خرد.»

ویولت موهایش را از روی صورتش کنار زد. از آن جا که آن ها تمام راه را از مدرسه تا مغازه خاله ابی گیل دویده بودند، موهای فرفری ویولت حسابی نامرتب شده بود. موهای خاله ابی گیل هم درست همین طور فرفری بود و مرتب کردنش کار خیلی سختی بود. خاله ابی گیل گفت: «مردم که گل نمی خواهند.

